

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

افسانه خاشع  
۰۸ دسمبر ۲۰۱۷

## به مناسبت بیست و پنجم نومبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان



خشونت علیه زنان هر چند که تاریخ طولانی دارد و میراث نظامهای ماقبل سرمایه-داری است اما امروز در مناسبات حاکم سرمایه داری و در نتیجه عملکرد آن در قاره ها و کشورهای مختلف در اشکال و نمودهای گوناگون اعمال می شود. ریشه خشونت علیه زنان را باید در مناسباتی دید که زنان را بنا به جنسیت شان فرودست و مادون می شمارد. زنان در خانه، محل کار، خیابان و همه جا با انواع خشونت روبه رو می شوند و جسم و روان شان مصون نیست. خشونت علیه زنان نه تنها که کاهش نیافته است بلکه در ابعاد شنیع تر و قبیح تری رو به ازدیاد است. میزان خشونت علیه زنان و شدت و حدت آن در کشورهای مختلف، می تواند متفاوت باشد. در کشورها و مناطقی که فرهنگ طبقات حاکم و سلطه اقتدار شان متکی و منبعث از سنتها و ادیان و مذاهب اند خشونت علیه زنان در اشکال فزینگی، روحی و روانی، خانگی، اقتصادی، جنسی، ناموسی، حقوقی و کلامی تبارز می یابد و شکل خشین و وحشیانه ای به خود می گیرد. در این جوامع در کنار ستم مضاعف طبقاتی که به عریان ترین شکل اعمال می شود ستم و خشونت جنسیتی هر روزه از زنان قربانی می گیرد، نمونه های بارز آن در شکل نقص عضو، ختنه، سوزانده شدن، ازدواج اجباری و قتلهای ناموسی، سنگسار، ضرب و شتم و تحقیر هر روزه و در ابعاد گسترده ای اتفاق می افتد. در سایر کشورها وضعیت زنان با وجود دستاوردهائی که با مناطق و کشورهای عقبمانده اصلاً قابل مقایسه نیست، نیز چندان رضایت بخش نیست. کمپاین "من هم" (Me too) که آزار و اذیت جنسی زنان در پیشرفته ترین کشورهایی که زنان در آنها به درجات زیادی، آنهم در اثر مبارزات طولانی جنبشهای اجتماعی از حقوق و موقعیت بهتری نسبت به سایر جهان برخوردار اند را نشان می دهد، بیانگر این حقیقت است که نظام سرمایه داری هنجارهای مرد سالار را در خودش نهادینه کرده و از آنها پاسداری می نماید.

خشونت علیه زنان پدیده ای است جهانی که ریشه در مناسبات حاکم دارد، مناسباتی که مالکیت بر زن و ستم و خشونت جنسی را تقدیس و هر روز تولید و باز تولید می کند. در بسیاری از کشورها مذهب و سنتهای عقب مانده ارتجاعی و فرهنگ مردسالارانه توجیه گر فقر و درماندگی و مشروعیت دهنده باورهای زن ستیزانه و افکار مردسالارانه است. در کشورهای اسلامی مانند افغانستان، پاکستان، عراق، عربستان، سومالی، سوریه، ایران و ... که اسلام سیاسی در قدرت است و نیروهای مرتجع و واپسگرا با افکار و آرای قرون وسطائی دست بالا دارند و قوانین شرع اسلامی در کنار سنتهای عهد عتیق به اجراء در می آیند زنان در معرض ضدانسانی ترین رفتارها قرار می گیرند و در بی حقوقی کاملی به سر می برند. در کنار تجاوز و قتل های ناموسی و بی حقوقی اجتماعی اولین قربانیان خشونت و جنگ را زنان تشکیل می دهند. اکثریت زنان جهان تجربه تحقیر و خشونت در خانواده را دارند.

خشونت خانگی ریشه در نابرابری و رابطه قدرت بین زن و مرد دارد که به گونه ای توسط هنجارهای مردسالار سیستم حاکم سرمایه داری سازماندهی شده است و در همه زمینه ها از قوانین گرفته تا برنامه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعمال می شود.

در افغانستان که یکی از خشونت بارترین جوامع و اسارتگاه زنان به شمار می رود، به علت رواج و اعمال بیش از حد خشونت علیه زنان در خانواده ها، برخی از زنان که دیگر تحمل زندگی در فضای خشونت بار و تحقیر آمیز را ندارند ناگزیر قفس شکسته و هوای پرواز می کنند، غافل از آن که صیادها هر کجا برای شان دام پهن می کنند و از قفسی به قفس دیگری به حبس محکوم می شوند. جامعه مردسالار با اتکاء به قوانین مردسالارانه و شرع و سنت این فراریان از خشونت و ستم را به جرم شکستن ارزشهای مردسالار حاکم مجازات می کند و روانه زندان می سازد. هستند زنان و دخترانی که به جرم عشق و دلدادگی توسط اعضای خانواده ها و ارباب عمایم به شکل دهشتناک و فجیعی به قتل می رسند. همین امروز صدها زن و دختر به اتهام فساد اخلاقی دستگیر و با فرزندان شان که جرمی انجام نداده اند در زندان ها به سر می برند. هستند کودکانی که در زندان چشم به دنیا گشوده و در زندان بزرگ می شوند.

"دولت وحدت ملی" و قدرتهای امپریالیستی حامی آن، با وجود ادعاهای دروغین نخواستند و نتوانستند کاری در زمینه رفع خشونت علیه زنان افغانستان که در بی حقوقی کامل به سر می برند و جنس دوم تلقی می گردند از پیش ببرند. از آغاز اشغال افغانستان توسط نیروهای امریکائی و ناتو تا امروز که خود تسلط هرچه بیشتر نیروها و باورهای ارتجاعی را در پی داشت وضعیت زنان افغان هر روز از گذشته بدتر می شود. آمار و ارقام ارائه شده از جانب مدیا و مراجع حکومتی و همچنان نهادهای بین المللی که گوشه ای از واقعیت زندگی تلخ و هولناک زنان در افغانستان را نشان می دهند خود گواهی بر بدتر شدن اوضاع و تشدید بی رویه خشونت و اپارتاید جنسیتی علیه زنان است. بیست و پنجم نومبر هرچند که یک روز سمبولیک در تقویم است و آن را روز منع خشونت علیه زنان نامیده اند ولی مبارزه برای رفع ستم و خشونت از زنان برای جنبش سوسیالیستی امری است دائمی و تعطیل ناپذیر. این مبارزه جزئی از مبارزه طبقه کارگر برای نفی و رفع هر نوع ستم و نابرابری است.

منبع: سوسالیزم کارگری شماره ۳۷